

وَلَا تَجْعَلُوا الْبَيْتَ كَالْبُقْعَاتِ

معاونت امور بین الملل
بعثه مقام معظم رهبری
برگزار می کند:

موضوع نشست تخصصی:

مستندات قرآنی نظریه وحدت اسلامی

مدیر نشست:



دکتر علی عباس آبادی
استاد حوزه و دانشگاه

کارشناسی:



حجت الاسلام والمسلمین
سید محسن حسینی فقیه
استاد درس خارج حوزه علمیه خراسان



حوزه نمایندگی ولی فقیه در امور حج و زیارت
معاونت امور بین الملل

پخش بصورت مجازی از طریق:

ویژه مدعوین

<https://online.rubru.me>

تاریخ و زمان:

یکشنبه، اول مهر ماه ۱۴۰۳
ساعت: ۱۹:۰۰ به وقت تهران

مستندات قرآنی نظریه وحدت اسلامی

بسم الله الرحمن الرحيم

✓مقدمه

... فَإِنَّ اللَّهَ سُبْحَانَهُ قَدْ اَمْتَنَ عَلَى جَمَاعَةِ هَذِهِ الْأُمَّةِ فِيمَا عَقَدَ بَيْنَهُمْ مِنْ حَبْلِ هَذِهِ الْأَلْفَةِ الَّتِي [يَتَّقِلُونَ] يَتَّقِلُونَ فِي ظِلِّهَا وَ يَأْوُونَ إِلَى كَنْفِهَا بِنِعْمَةٍ لَا يَعْرِفُ أَحَدٌ مِنَ الْمَخْلُوقِينَ لَهَا قِيَمَةً لِأَنَّهَا أَرْجَحُ مِنْ كُلِّ ثَمَنِ وَ أَجَلٌ مِنْ كُلِّ خَطَرٍ؛ ...

آقا امیر مؤمنان علیه السلام مسئله وحدت را به عنوان یک منت بزرگ از خدای سبحان برای مؤمنان دانستند. در خطبه ۱۹۲ کتاب شریف نهج البلاغه حضرت این گونه می فرمایند: «فان الله سبحانه قد امتن على جماعه هذه الامه فيما عقد بينهم من حبل هذه الالفه». کلمه منت بزرگ را خدای متعال درجایی به کار می برد که یک نعمت عظیم عنایت می کند. مثلاً در آیه شریفه دیگر می فرماید: «لقد من الله على المومنين اذ بعث فيهم رسولا من انفسهم...». با واژه منت یاد می کند. خدای متعال که پیغمبری را از بین خود ما مردم، به عنوان رسول فرستاده است. در اینجا هم آقا امیرمؤمنان می فرمایند: «فان الله سبحانه قد امتن على جماعه هذه الامه» خدای سبحان امتنان و منت گذاشته بر جماعت این امت، «فما عقد بينهم من حبل هذه الالفه» قرار داده که حبل و ريسمان الفت بین این امت باشد.

«التي ينتقلون في ظلها» در سایه این الفت و اخوت و وحدت زندگی می کنند. «و يأوون الى كنفها» و در کنف این نعمت و این منت پناه می برند و پناهنده می شوند «بنعمت لا احد من المخلوقين لها قيمه» یک نفر از مخلوقات ارزش و قیمت این الفت و این وحدت را نمی داند. تعبیر عجیب باز اینجا است: «لأنها ارجح من كل ثمن و اجل من كل خطر». چون ارجح از هر ثمن و ارزشی و در واقع برتر از هر امر خطیری، این مسئله الفت و وحدت است. حالا وقتی منت به این عظمت را بیان کردند، طبعاً باید دائماً به دنبال تحقق این مسئله باشیم. لذا به برخی از آیات در قرآن کریم برای بحث وحدت اسلامی استشهاد می کنیم:

آیه اول

✓ آیه ۱۰۳ از سوره مبارکه آل عمران:

وَاَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا ۚ وَاذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا وَكُنْتُمْ عَلَىٰ شَفَا حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُمْ مِنْهَا ۚ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ

در این آیه شریفه باید به چند نکته توجه کنیم.

نکته اول: این آیه ابتدا با فعل امر شروع می‌شود: «واعتصموا». ما در علم اصول هم خواندیم و این امری است که عقلای عالم هم بر آن صحه می‌گذارند. صیغه امر و فعل امر دالّ بر وجوب است؛ یعنی به فرموده مقام معظم رهبری این یک توصیه اخلاقی صرف نیست. بلکه درواقع امر است. حکم است. وجوب است. باید اعتصام بجوید و چنگ بزنید «بحبل الله».

نکته دوم: بر این امر دو بار تأکید شده است. «اعتصموا» فعل امر، {جمیعاً} یعنی همه شما این کار را انجام بدهید؛ و بعد با «لا تفرقوا» نهی می‌کند از تفرقه. امر می‌کند به اعتصام «بحبل الله» آن هم جمیع شما و از تفرق نهی می‌کند.

نکته سوم: بعضی گفته‌اند که اصلاً امری که در این آیه شریفه است، امر ارشادی است. امر مولوی نیست؛ یعنی این که خود عقل و بنای عملی عقلا و سیره عقلا و سیره اهل شرع همه بر این تعلق گرفته که مسئله لزوم وحدت از مسائل بسیار بین و روشن است. عقل بر آن صحه می‌گذارد. عقلا در مقام عمل، همین کار را انجام می‌دهند. متشرع اهل شریعت هم که معلوم است؛ بنابراین می‌گویند امر در این آیه می‌شود امر ارشادی. ارشاد الی ما حکم به العقل.

نکته چهارم: این مسئله امر به اعتصام به حبل الله و اتحاد و وحدت، یک بیان تاکتیکی صرف نیست. بلکه یک امر اساسی است. از اصول اساسی و راهبردی است که قرآن مجید به آن تأکید فرموده؛ و این را باید به عنوان یک اصل اساسی مدنظر قرارداد.

نکته پنجم: در این آیه شریفه راهکار و استراتژی دشمن در مقابل مسلمان‌ها معلوم است که ایجاد اختلاف و فرقه بین طایفه‌ها و فرقه‌های مسلمان و دمیدن بر طبل اختلاف است. خصوصاً اختلاف مذاهب و بالأخص اختلاف بین

شیعه و سنی. آیه شریفه می‌فرماید: «و لا تفرقوا». مراقب باشید این‌گونه نشوید که فرقه‌های مختلفی در مقابل هم قرار بگیرید که بعد دشمن از آن استفاده کند. کدام دشمن؟ دشمنی که با اصول اساسی دین اسلام مخالف است؛ و درصدد ضربه زدن به اسلام است.

نکته ششم: این آیه شریفه ما را ترغیب می‌کند که با تمام وجود دنبال تحقق اتحاد بین مسلمانان باشیم. هرکسی در هر جا و در هر پست و در هر شرایطی که هست، مسئولیت متوجه اوست؛ یعنی باید اهمیت وحدت را تبیین کند. دیگران را تحریض و تشویق کند. تأکید کند. آثار و نتایج ایجابی وحدت را بیان کند. آن امری که سبب اختلاف می‌شود را هر کس به فراخور شرایط و در هر حالی، دفع کند. دقت کنید «واعتصموا». خطاب، متوجه به همه است، همه مسلمان‌ها. اختصاص به اندیشمندان و شخصیت‌های فرهنگی صرف ندارد. اختصاص به شخصیت‌های سیاسی، اجتماعی ندارد. تمام مسلمان‌ها مخاطب این خطاب قرار گرفتند. هرکسی به فراخور شرایط خودش و جایگاه خودش و مسئولیت و وظایف خودش طبعاً باید دنبال تحقق این اعتصام به حبل‌الله باشد.

نکته هفتم: مقام معظم رهبری هم در فرمایشاتی که در این زمینه داشتند، در ذیل این آیه شریفه توجه دادند. خوب است که ما هم توجه بدهیم. این است که ما باید با توجه به آیه مبارکه به دنبال تحقق تمدن نوین اسلامی باشیم و ظرفیت‌های امروزه و واقعیت‌های روز را موردتوجه قرار دهیم. این بحث تمدن نوین اسلامی بحث بسیار مهمی است که در سایه اتحاد و وحدت بین مسلمان‌ها شکل می‌گیرد. البته بد نیست اینجا اشاره کنم، یکی از شاخص‌های مهم وحدت اسلامی و اتحاد مسلمان‌ها امروزه مسئله فلسطین است. جدیت بیشتر بر احیای حقوق ملت فلسطین، نزدیک‌تر شدن به اتحاد مسلمان‌هاست و از عوامل پیشرفت ملت‌هاست.

نکته هشتم: مسئله وحدت و اتحاد چگونه محقق می‌شود؟ با اتحاد قطرات آب، مخزن بزرگ و سد تشکیل می‌شود. با پیوستن جوی‌های کوچک، رودخانه‌های عظیم ایجاد می‌شود. با اتحاد مسلمانان صفوف بزرگی تشکیل می‌شود که «ترهیبون به عدوالله و عدوکم». این درواقع خودش زمینه‌ساز این مطلب است.

نکته نهم: در زمینه بحث وحدت اسلامی ما می‌بینیم دشمن در نقطه مقابل قرار گرفته است. آیه شریفه هم همین را فرمود؛ اما درعین حال دشمن که بیکار نمی‌نشیند. طبق طرح نوین هانتینگتون، استراتژیست معروف یهودی در کتاب برخورد تمدن‌ها، دشمنان اسلام تمام توشه و توان خود را برای مبارزه با اسلام و مسلمانان به کار بسته‌اند. دشمنان اسلام و مسلمان‌ها بین خودشان یعنی یهودیت و مسیحیت، دنبال اتحاد هستند. آیه شریفه می‌فرماید: ای مسلمان‌ها شما اتحاد داشته باشید. شما وحدت کنید. حالا اگر ما بر کوس اختلاف بنسیم و دائماً دنبال فرقه و فرقه‌سازی و اختلاف باشیم، درست در جهتی حرکت کردیم که خود یهودیت و مسیحیت در نقطه مقابلش حرکت کرده است. از اصول مسلم مسیحیت کشته شدن حضرت عیسی علیه‌السلام به دست یهود است. در طول بیست

قرن بین آن‌ها در این مسئله بغض و عداوت بود؛ اما دولت واتیکان آمد، یک اطلاعیه رسمی در سال ۱۹۹۳ م منتشر کرد و یهود را از این جنایت تبرئه کرد.

آیه دوم

✓ آیه ۴۶ از سوره مبارکه انفال:

وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ وَاصْبِرُوا إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ

«اطیعوا الله و رسوله» اطاعت کنید از خدا و از رسول خدا. با هم تنازع و نزاع نکنید. دشمنی با یکدیگر نکنید. اختلاف با یکدیگر نداشته باشید. «فتفشلوا» که بعد فشل می‌شوید. سست می‌شوید. از محکمی خارج می‌شوید. «و تذهب ریحکم» آن باد، طوفان استقامت، طوفان قدرت شما از بین می‌رود و شما دیگر ریچی هم در این زمینه نخواهید داشتید. باز می‌بینیم این آیه شریفه، اول راهکار را ارائه می‌دهد. «اطیعوا الله و رسوله» اطاعت کنید از خدا و از رسول خدا. وقتی اطاعت از خدا و رسول خدا کردید، طبعاً تنازع هم نخواهید داشت. چون خدا و رسول دائماً بر مسئله اتحاد و وحدت تأکید داشتند و اثر سلبی این عدم اتحاد و عدم وحدت، این است که شما فشل می‌شوید. «و تذهب ریحکم» این همانی است که پیغمبر اکرم فرمودند: «الجماعه رحمه و الفرقة عذاب». چقدر تعبیر زیبایی است. اگر با جماعت باشیم، اگر با یکدیگر باشیم، می‌شود رحمت؛ و فرقه و افتراق و اختلاف عذابی بین شما می‌شود.

آیه سوم

✓ آیه ۱۰۵ از سوره مبارکه آل عمران:

وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ تَفَرَّقُوا وَاخْتَلَفُوا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْبَيِّنَاتُ وَأُولَٰئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ

«و لا تكونوا كالذين تفرقوا» شما ببینید کسانی که تفرق جستند، کسانی که اتحاد نداشتند، کسانی که بر طبل اختلاف و تفرق کوبیدند، شما مثل آن‌ها نباشید. دارد تحذیر می‌کند که آن‌ها که تفرق کردند به سرنوشتی تلخ دچار شدند. «واختلّفوا من بعد ما جاءهم البینات» وقتی بینه‌ها و دلیل‌های روشن آمد، این‌ها اختلاف کردند. «و اولئک لهم عذاب عظیم». طبعاً برای اینان، عذابی عظیم است. خدای متعال، واژه عظمت را اگر جایی به کار ببرد، نشان‌دهنده این است که آن امر، بسیار مهم و حساس است. اگر تفرق کردید، اگر اختلاف کردید البته «من بعد ما جاءهم البینات» برای آنها عذاب عظیمی است و برای شما هم عذاب عظیمی است. حالا «من بعد ما جاءهم البینات» یعنی چه؟ یک معنای دم دستی یعنی بینه‌ها و ادله روشن.

آیه چهارم

✓ آیه ۶۴ از سوره مبارکه آل عمران:

قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَلَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئًا وَلَا يَتَّخِذَ بَعْضُنَا بَعْضًا أَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقُولُوا اشْهَدُوا بِأَنَّا مُسْلِمُونَ

مسئله عدم اختلاف و برخورد محترمانه آن قدر اهمیت دارد که آیه شریفه قرآن، با اهل کتاب هم دستور به همین روش و شیوه را داده است. «قل یا اهل کتاب تعالوا الی کلمه سواء بیننا و بینکم» بیایید، خطاب به اهل کتاب است که بیایید. بیایید با کلمه‌ای که بین ما و شما سر آن کلمه اتفاق نظر باشد، چیست؟ «الا نعبد الا الله و لا نشرك به شیئا و لا يتخذ بعضنا بعضا اربابا من دون الله». دعوت تو این گونه باشد از راه کلمه سواء باشد. روی مشترکات تأکید کنید. از اختلافیات پرهیز کنید. «فان تولوا فقولوا اشهدوا بأنا مسلمون». اگر هم پشت کردند و حاضر نشدند این دعوت حق شما را و این کلمه سواء را بپذیرند، بگو شما شاهد باشید که ما مسلمانیم. ما به دین مان و تصمیمات پیغمبرمان عمل می کنیم و شما را هم به کلمه سواء دعوت کردیم. ببینید لحن دعوت چگونه است؟ آیه قرآن می فرماید: «انا او ایاکم لعلی هدی او فی ضلال مبین». بگو یا ما یا شما، یا بر هدایتیم یا ضلال مبین. نگو الزاماً شما در ضلال مبینید. نگو حتماً ما بر هدایتیم، نه. ما یا شما یا بر هدایتیم یا بر ضلال مبین. پس مسئله دوری از اختلاف، مسئله زیبایی ارتباط با دیگران و به نحو کلمه سواء حتی توسعه و دایره و شعاعش همه مسیحی ها و اهل کتاب را هم در برمی گیرد.

آیه پنجم

آیه ۴۹ از سوره مبارکه حجرات:

إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلَحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ

آیات مبارکی که در قرآن در این زمینه وارد شده، سه نوع تعبیر دارد. یک نوع تعبیر در ارتباط با غیرمسلمان هاست که مثل همین آیه‌ای که قبلاً خواندم و اهل کتاب را مورد خطاب قرار داده بود. یک سری آیات ناظر به همه مسلمان هاست؛ و یک سری از آیات ناظر به مؤمنین است. هر سه جهت در راستای آن هدفی که ما داریم یعنی بحث اتحاد و وحدت، دخالت دارد. بحث وحدت بین خود مؤمنان، بحث وحدت بین مسلمان ها در مقابل دشمن و بحث استفاده از ظرفیت مناسب و کلمه سواء حتی با یهود و نصارا. البته این سومی مشروط به شرط است. شرطش این است که در مقام ضربه زدن به اسلام و مسلمان ها نباشد. آنجا ما با آن ها کلمه سواء را داریم؛ اما اگر نه، دیدیم

دشمنی می‌کنند و در صدد ضربه زدن هستند، در مقابل‌شان می‌ایستیم. این هم یک آیه که «فاصلحوا بین اخویکم»؛ این قدر مسئله وحدت و اتحاد مهم است که مؤمنین باهم مثل برادر انگاشته شدند.

آیه ششم

آیه ۲۹ از سوره مبارکه فتح:

مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ ۚ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رَحِمَاءُ بَيْنَهُمْ تَرَاهُمْ رُكْعًا سُجَّدًا يَبْتَغُونَ
فَضْلًا مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانًا ۖ سِيمَاهُمْ فِي وُجُوهِهِمْ مِنْ أَثَرِ السُّجُودِ ۚ ذَٰلِكَ مَثَلُهُمْ فِي التَّوْرَةِ ۚ وَمَثَلُهُمْ
فِي الْإِنْجِيلِ كَزَرْعٍ أَخْرَجَ شَطْأَهُ فَآزَرَهُ فَاسْتَغْلَظَ فَاسْتَوَىٰ عَلَىٰ سُوقِهِ يُعْجِبُ الزُّرَّاعَ لِيَغِيظَ بِهِمُ
الْكُفَّارَ ۖ وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ مِنْهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا

پیغمبر اکرم (ص) فرستاده خداست. کسانی که با ایشان هستند، همگی اشداء علی الکفارند؛ اما رحماء بینهم هستند. پس مسلمان‌هایی که به پیغمبر اکرم (ص) اعتقاد دارند و مسلمانند و اسلام اختیار کردند، باید رحماء بینهم باشند؛ اما در عین این که رحماء بینهم اند، اشداء علی الکفارند. در مقابل کفار شدید و محکم موضع‌گیری می‌کنند.

آیه هفتم

آیه ۱۵۹ از سوره مبارکه انعام:

إِنَّ الَّذِينَ فَرَّقُوا دِينَهُمْ وَكَانُوا شِيعًا ۚ لَسْتَ مِنْهُمْ فِي شَيْءٍ ۚ إِنَّمَا أَمْرُهُمْ إِلَى اللَّهِ ثُمَّ يُنَبِّئُهُم بِمَا
كَانُوا يَفْعَلُونَ

«الذين فرقوا دينهم و كانوا شيعة لست منهم في شيء» کسانی که دین را، دین خودشان را تفریق و فرقه فرقه کردند و شیع شدند، هر کدام به راهی رفتند، مشترکات را نگرفتند، تکیه بر آن نقطه اصلی و مرکز ثقل نکردند، «لست منهم فی شی» شما اصلاً هیچ ارتباطی با این‌ها ندارید. این‌ها ارتباطی با شما ندارند. «انما امرهم الى الله ثم ينبيئهم بما كانوا يفعلون» امر این‌ها را به خدا واگذار کن. خدا می‌داند که بعداً با این‌ها چه کند. پس ببینید باز نهی می‌کند از این که «فرقوا دینهم و كانوا شیعة». پرواضح است که علی‌ای حال اعتقادات و مذاهب مختلف است؛ اما این که «فرقوا» باشند، تفریق کنند، دنبال این مسئله اختلاف و فرقه‌سازی باشند، «لست منهم فی شی».

آیه هشتم

آیه ۶۵ از سوره مبارکه انعام:

قُلْ هُوَ الْقَادِرُ عَلَىٰ أَنْ يَبْعَثَ عَلَيْكُمْ عَذَابًا مِّنْ فَوْقِكُمْ أَوْ مِنْ تَحْتِ أَرْجُلِكُمْ أَوْ يَلْبِسَكُمْ شِيْعًا وَيُذِيقَ بَعْضَكُمْ بَأْسَ بَعْضٍ ۚ انظُرْ كَيْفَ نُصَرِّفُ الْآيَاتِ لَعَلَّهُمْ يَفْقَهُونَ

پیغمبر ما بگو خدا قادر است که از سر شما، از فوق شما عذابی بر شما بفرستد یا از تحت ارجل تان، از زمین عذابی برای شما بفرستد یا از آسمان. شاهد عرض بنده این فراز است: «او یلبسکم شیعا» شما را گروه‌هایی قرار بدهد یعنی تفرقه بیفتد بین امت اسلامی. خدا می‌تواند کاری کند که شماها گروه گروه‌هایی شوید که با هم اتحاد و اجتماع و سخن واحد نداشته باشد. «و یذیق بعضکم بأس بعض» اینجا در راستای بیان عذاب‌های الهی است. یکی از عذاب‌های الهی «یلبسکم شیعا» است. نشان می‌دهد چقدر عدم وحدت و عدم اتحاد امر خطرناک و امر منفی و سلبی است که خدای متعال در اعداد و در شمار «عذابا من فوقکم او من تحت ارجلکم» بیان می‌کند.

آیه نهم

آیه ۵۹ از سوره مبارکه نساء:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ ۖ فَإِنْ تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ ۚ ذَلِكَ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا

آخرین آیه‌ای است که بنده اشاره می‌کنم. البته عرض کردم آیات متعدد است. من خواستم تیمنا و تبرکا چند آیه را اشاره کنم. استشهاد به این آیه مبارکه این گونه است: ای مؤمنین. اینجا خطاب به مؤمنین است. ای مؤمنین اطاعت کنید از خدا، اطاعت کنید از رسول خدا و اولی الامر. «فان تنازعتم فی شی فردوه الی الله والرسول» بلافاصله می‌فرماید «فان تنازعتم» اگر خدایی نکرده بین شما نزاعی درگرفت، زمینه‌ساز اختلاف‌هایی خواهد شد. راه حل را هم آیه شریفه اضافه می‌کند. بروید سراغ خدا و رسول. یکی از راه‌های تحقق وحدت واقعی و حقیقی این است که ببینیم خدا و رسول چه راهی را برای ما معین فرمودند که ما باید از آن مسیر حرکت کنیم.

✓ تذکر اول

وقتی بحث وحدت و بحث اتحاد را بین مسلمان‌ها به‌طور عام و بین مؤمنین به‌طور خاص مطرح می‌کنیم، هدف از وحدت پرواضح است که یکی کردن مذاهب نیست. چون با توجه به وضعیت موجود، وضعیتی که مسلمان‌ها دارند، اختلافاتی که در عقاید دارند، اختلافاتی که در اصول اعتقادات دارند، اختلافاتی که در احکام و مباحث فقهی دارند، به تعبیر شهید مطهری که تعبیر درستی هم است نشدنی و بسیار سخت، بلکه بالاتر اصلاً غیرممکن است. اگر هرکسی بیاید سر سفره قرآن و عترت، وحدت در ابعاد زیادی تحقق پیدا می‌کند؛ اما درعین حال ممکن است بین خود مؤمنین هم اختلافاتی باشد. پس ما تأکیدمان بر یکی کردن مذاهب نیست. بلکه تکیه بر مشترکات و برقراری صف واحد در برابر دشمنان مسلمان‌هاست. به تعبیری هدف تقریب، پیروان مذاهب است. پیروان مذاهب افکارشان، جهت‌دهی‌شان، رفتارشان، موضع‌گیری‌شان، عملکردشان به‌گونه‌ای باشد که صف واحدی در مقابل دشمنان ایجاد کند.

✓ تذکر دوم

علت فاصله بین مذاهب این است که آشنایی درستی از مبانی فکری همدیگر ندارد. گاهی این‌گونه است. داعش مثلاً می‌آید یک مبانی فکری غلط و ناحق به نام بحث خلافت اسلامی را آن‌هم در آن چهره بسیار خشن و چهره‌ای که هیچ ارتباطی با آموزه‌های دین ندارد؛ یعنی یک مبانی غلط فکری برای خودش ترسیم می‌کند. من اعتقادم این است انسانی‌هایی که خوی وحشی‌گری در نهادشان است، اگر توسط پیروان اهل بیت (ع) فرمایشات قرآن و عترت، فرمایشات پیغمبر (ص) و اهل بیت (ع) به آن‌ها منتقل شود، می‌پذیرند. البته بعضی‌شان تحت تأثیر افکار و حرف‌های غلط قرار گرفتند که طبعاً آن‌ها در موضع‌گیری‌ها رادارند. پس علت فاصله بین مذاهب، عدم آشنایی درست از مبانی فکری یکدیگر است. وحدت واقعی کی شکل می‌گیرد؟ وقتی که رجوع کنیم به آموزه‌های مکتب اهل بیت علیهم‌السلام. درواقع حدیث ثقلین دارد ما را به این ارجاع می‌دهد. آیا بیاییم بگوییم بیاید پیرو اهل بیت (ع) شوید؟ اگر این‌گونه شود که زهی سعادت. ولی ما نمی‌خواهیم بگوییم بیاید پیرو اهل بیت (ع) شوید. عرض کردم اگر بتوانیم، بسیار عالی است. بیاییم اولاً تا بتوانیم بر مشترکات تأکید کنیم. ثانیاً مبانی فکری مکتب اهل بیت (ع) را تبیین کنیم بدون این‌که به سایرین اهانت کنیم. بدون این‌که در مقابل آن‌ها بگوییم شما صددرصد در باطلید. صددرصد در جاده انحرافید. طبیعی است که به‌مجرد اینکه در بادی امر، این‌گونه صحبت کنیم، طرف موضع خواهد گرفت. در امت اسلامی هم اگر یک امتی این‌گونه رفتار کند، امت دیگر در مقابل آن‌ها موضع می‌گیرد. پس راه اصلی، تبیین حقایق مکتب اهل بیت علیهم‌السلام بدون دمیدن بر طبل اختلاف و ایجاد حساسیت‌های مذاهب دیگر است.

تلاش‌های مرحوم آیت‌الله بروجردی و مرحوم شیخ عبدالمجید سلیم و محمود شلتوت در راستای تحقق وحدت اسلامی است. مرحوم آیت‌الله بروجردی رضوان‌الله علیه درصدد تبیین حقایق بودند. درصدد تبیین امتیازات ویژه هدایتی مکتب اهل بیت (ع) علیهم‌السلام بودند؛ اما باظرافت کامل بدون ایجاد حساسیت. در همین راستا باید اشاره کرد که هدف تشکیل حزب واحد نیست. بلکه حزب‌الله است. «الا ان حزب الله هم الغالبون» حزب‌الله باید ایجاد شود؛ اما معنایش این نیست که ما بگوییم همه شما مسلمان‌ها الآن بیاید و دست از تمام افکارتان بردارید. ما می‌خواهیم در وهله اول جبهه واحده تشکیل بدهیم. همه مسلمان‌ها یک جبهه واحد، در مقابل کفر شوند.

✓ تذکر سوم

حضرت امیرمؤمنان در نهج‌البلاغه می‌فرماید: «ما زِلْتُ مُذْ قُبِضَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مَظْلُومًا». از روزی که پیغمبر اکرم (ص) رحلت فرمودند، من دائماً مظلوم بودم. به من ظلم شده؛ اما ببینید پشت سر این مطلب، آقا چه تعبیر لطیفی دارد. «وایم الله» قسم به خدا. «لولا مخافه فرقه بین المسلمین» اگر نمی‌ترسیدم از این که اختلاف بین مسلمان‌ها شود «و ان يعود الکفر» اگر اختلاف بین مسلمان‌ها شود، کفر برمی‌گردد. چقدر حساس است. «وایم الله لولا مخافه الفرقه بین المسلمین و ان يعود الکفر و یبور الدین لکننا علی غیر ما کنا لهم علیه». اگر کفر بیاید، دین از بین می‌رود. دین دیگر کهنه و مندرس می‌شود و به کنار گذاشته می‌شود. «لکننا علی غیر ما کنا لهم علیه» من به گونه دیگری در مقابل غاصبین خلافت رفتار می‌کردم. در مقابل کسانی که خواستند سر منشأ را به مسیر دیگری برگردانند، من جور دیگری رفتار می‌کردم؛ پس «لولا مخافه الفرقه بین المسلمین» یک، «ان يعود الکفر» دو، «ان یغور الدین» سه. همچنین حضرت امیر فرمودند: «فَصَبَرْتُ، وَفِي الْعَيْنِ قَذَى، وَفِي الْحَلْقِ شَجَأٌ؛ أَرَى تُرَاثِي نَهْبًا»؛ اما در عین حال صبر پیشه کرد چون دید راهی نمانده است و وحدت جامعه اسلامی باید تداوم یابد. باز در تعبیر دیگر آقا امیر مؤمنان یک نامه به ابوموسی اشعری نوشتند. تعبیرشان این است. خیلی نامه زیبایی است نامه هفتاد و هشت نهج‌البلاغه. حضرت می‌فرمایند: «لَيْسَ رَجُلٌ فَأَعْلَمُ أَحْرَصَ عَلَى جَمَاعَةٍ أُمَّةٍ مُحَمَّدٍ (ص) وَ أَلْفَتْهَا مِنِّي» فردی از من حریص‌تر بر جماعت امت پیغمبر نیست. برای این که جماعت امت پیغمبر اجتماع‌شان محفوظ باشد و «الفتها» و الفت داشته باشند. تئالف داشته باشند، به حال هم دلسوزی و مهربانی داشته باشند، دغدغه همدیگر را داشته باشند. کسی از من حریص‌تر به این جماعت و الفت بینشان نیست.